

زن، شیطان، سقوط

عبدالله زنجانی

تفاوت سوم داستان فریب آدم و حوا مسئله شیطان و واسطه شیطانی این موضوع مهمه. در قرائت یهودی - مسیحی یه مار سراغ حوا می‌یاد، اول اون رو فریب می‌ده، بعد حوا است که آدم رو به خوردن میوه درخت ممنوعه می‌کشونه.^{۱۱} اما در قرآن کریم خود شیطان مستقیماً به فریب هر دوی اون‌ها اقدام می‌کنه.^{۱۲}

تفاوت چهارم به فرهنگ مردمحوری یهودی - مسیحی مربوط می‌شه. اون‌جا زن، نقش شریک شیطان رو ایفا می‌کنه، ولی در فرهنگ تقوامجوری قرآن هیچ تفاوتی توی این مسئله بین زن و مرد وجود نداره. از طرف دیگه در داستان تورات، ما با خود شیطان مواجه نیستیم، بلکه یه مار به فریب حوا می‌پردازه، ولی در بیان قرآن کریم این مسئله مستقیماً به شیطان نسبت داده می‌شه.

تفاوت پنجم میان داستان قرآن و نقل رؤیگونه تورات، به نتایج خوردن میوه درخت ممنوعه مربوط می‌شه.

در تورات این‌طور اومده: وقتی آدم از میوه درخت ممنوعه می‌خوره ناگهان احساس می‌کنه که به خوبی و بدی اشیا پی برده و خیلی چیزا رو می‌فهمه که تا حالا متوجهشون نبوده، یعنی معلوم می‌شه که خدا به آدم دروغ گفته بوده و این درخت باعث مرگ نمی‌شده و باعث علم و آگاهی بوده، خدا هم خیلی زود آدم رو از باغ عدن اخراج می‌کنه، که نکته با خوردن میوه درخت جاودانگی، رقیب خدا بشه!

بعد هم برای تنبیه، درد زایمان رو واسه حوا، مسئولیت خرج زندگی رو واسه آدم و بر روی شکم خزیدن رو برای مار قرار می‌ده.^{۱۳}

اما در قرآن کریم، خروج از بهشت [و نه جایی روی زمین] لازمه طبعی خوردن از اون درخت خاص هست و نه تنبیه به‌خاطر انجام یه کار حرام که قطعاً انبیاء هرگز چنین اشتباهی رو نمی‌کنن.

پی‌نوشت‌ها

۱. اون دسته از ادیبانی که مردم در گذشته‌های دور به آنها توجه می‌کردن، ولی امروزه کسی به اون‌ها معتقد نیست و چراغ اون ادیان خاموش شده و به فراموشی سپرده شدن؛ مثل ادیان بین‌النهرین یا الهه‌های یونان قدیم.

ر.ک: ادیان ابتدایی و خاموش؛ عبدالرحیم سلیمانی؛ انجمن معارف اسلامی ایران.

۲. کتاب مقدس؛ سفر پیدایش؛ باب ۲؛ بند ۹.

۳. طوری که حتی بعضی وقتا نمی‌تونه آدم و حوا رو پیدا کنه و اون‌ها پشت درختا قایم می‌شن تا دست خدا بهشون نرسه! کتاب مقدس؛ سفر پیدایش؛ باب ۴؛ بند ۹.

۴. همان؛ بند ۱۴؛ و بقره؛ ۳۵.

۵. همان؛ بند ۱۲ و ۲۲.

۶. همان؛ بند ۲۱-۲۴.

۷. همان؛ بند ۴.

۸. بقره؛ ۳۱.

۹. به همین خاطر در تمام نظام‌های حقوقی و قضایی دنیا، آدمی که از روی جهل کاری رو انجام داده باشه و زمینه علم به این مسئله رو هم نداشته باشه، مواخذه و تنبیه نمی‌شه، هرچند که کار انجام شده بد و زشت باشه.

۱۰. کتاب مقدس؛ سفر پیدایش؛ باب ۳؛ بند ۱.

۱۱. بقره؛ ۳۶.

۱۲. کتاب مقدس؛ سفر پیدایش؛ باب ۳؛ بند ۱۴-۲۰.

احتمالاً پدر و مادران براتون تعریف کردن که یه زمانی اجداد همه ما یعنی آدم و حوا، توی بهشت زندگی می‌کردن. داستان خلقت آدم «ابوالبشر» اولین مسئله‌ای یه که تو کتاب مقدس یهودی‌ها و مسیحی‌ها به اون اشاره و توجه شده. شبیه همین قصه در قرآن کریم و حتی بعضی از ادیان قدیمی یا خاموش^۱ وجود داره، البته تفاوت‌های اون‌ها خیلی جدیه.

توی این نوشته به بررسی نقش زن در فریب آدم و نتیجه اون از نظر اسلام، یهودیت و مسیحیت می‌پردازیم. با توجه به این مسئله که دیدگاه یهودیت و مسیحیت توی این مورد خاص، مثل هم هستن و تفاوت جدی بینشون وجود نداره، ما با دو نظریه مواجه می‌شیم؛ نظریه اسلامی و نظریه یهودی - مسیحی.

بهشت آدم توی کتاب اول از کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان (سفر پیدایش) روی زمین و یه جایی نزدیک به ارض اردن (عدن) تصور می‌شه.^۲

باغی که خدا هم همون‌جا زندگی می‌کنه؛ راه می‌ره؛ دنبال آدم و حوا می‌گرده و هزار تا کار دیگه شبیه به کارای ما ادما انجام می‌ده!^۳

خدا آدم و حوا رو از خوردن میوه یه درختی نهی می‌کنه. ما اسم این درخت رو می‌ذاریم «درخت ممنوعه». توی قرآن کریم هم شاهد هستیم که خدا آدم رو از خوردن میوه یه درختی نهی می‌کنه.^۴ اما چند تفاوت عمده بین این دو تا وجود داره: اولاً بهشت آدم به بیان قرآن کریم، قطعاً ارض عدن و یه جایی روی زمین نیست. از طرف دیگه در تورات تصریح می‌شه که اون درخت ممنوعه باعث آگاهی و فهم نیک و بد می‌شه!^۵

تورات می‌خواد بگه که هدف خدا از نهی آدم و زنش از خوردن میوه درخت ممنوعه یه کار پیش‌گیرانه بوده؛ یعنی خدا می‌ترسید که آدم از این درخت بخوره بعد علم به خوبی‌ها و بدی‌ها پیدا کنه و وقتی که این اتفاق افتاد به دنبال قدرت بره و با خوردن از میوه درخت دیگه‌ای به نام درخت حیات و جاودانگی، ابدی بشه، و در این صورت بیاد و جای خدا رو بگیره!^۶ به همین منظور، خدا به آدم گفته بود که اگه از درخت ممنوعه بخوره، می‌میره.^۷

همون‌طوری که می‌بینید، خدای تورات مجبوره بعضی وقتا دروغ هم بگه! در واقع خدا با گفتن این حرف، آدم رو ترسونده بود تا نکته با خوردن میوه درخت ممنوعه (درخت علم و آگاهی) از چیزایی سر در بیاره که نباید اون‌هارو بدوننه. دقیقاً همین جاست که بیان قرآن کریم کاملاً عمیق، انسانی و بنده‌گونه خودش رو نشون می‌ده. در قرآن کریم اصلاً ترس از علم وجود نداره، چون حضرت حق به محض آفرینش انسان به اون لطف می‌کنه و اون رو تعلیم می‌ده و اون خوب و بد رو، و حتی اسمای همه موجودات رو می‌دونه.^۸ حتی اگه این آیه هم وجود نمی‌داشت من و شما با کمی فکر کردن خیلی راحت می‌تونستیم به صحت بیان قرآن پی ببریم. ببینید اگه یه بچه ندونه که این کار خوبه یا بده، اگر باید و نباید رو نفهمه و اصطلاحاً جاهل باشه، می‌شه اون رو به‌خاطر انجام یه کار خوب یا بد تشویق، تنبیه و یا حتی شکنجه کرد؟

سؤال اینه که اگر این درخت ممنوعه، چشمه علم و آگاهی باشه و آدم و حوا پیش از استفاده از اون کاملاً از علم و آگاهی بی‌بهره هستن، به‌طوری که بدنشون عریانه ولی این‌رو نمی‌فهمن، چطور خدا می‌تونه اون‌ها رو مواخذه کنه که چرا این کارو کردین! آیا به نظر شما این کار معقوله؟^۹